



شماره ۵۱ **ضمیمه خبیر نامه**

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

۵۹/۱۲/۱۳

سال دوم

به مناسبت ۸ مارس

(۱۷ اسفند)

روز جهانی زن

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها!

تکثیر از

مواضع : چریکهای فدائی خلق ایران

۸ مارس، روز بین‌المللی زنان

زحمه‌تکش جهان، گرامی باد

۱۷ اسفند برابر با ۸ مارس روز بین‌المللی زنان کارگر، یادآور مبارزه پرشکوه زنان بر علیه سلطه زور و استبداد و قوانین ضدکارگری طبقه سرمایه‌دار می‌باشد. آتش این مبارزات در سالهای ۱۸۵۰ در آمریکا در تظاهرات - هرات و اعتصابهای بیگانه علیه ۱۲ الی ۱۶ ساعت کار برای زنان، کودکان و مردان و تبدیل آن به ۸ ساعت کار در روز، شعله‌ور گردید. هزاران زن کارگر به اتحادیه‌هایی که برای ۸ ساعت کار روزانه و بسیاری خواستهای اساسی دیگر کارگران فعالیت میکردند، پیوستند.

اولین اعتصاب زنان کارگر در این دوره در سال ۱۸۲۸ در نیوهامپشایر در کارخانه نخ ریزی بوقوع پیوست. خواست این زنان کارگر حق تشکیل اتحادیه و مبارزه علیه ۱۲ ساعت کار روزانه بود.

اعتصاب دیگری ۱۸۳۴ در ماساچوست، بدنیاال اخراج یکی از زنان کارگر اتفاق افتاد. این زن کارگر به علت اعتراض به ۲۵٪ تقلیل در دست‌مزدش توسط سرمایه‌داران اخراج شد که بدنیاال آن اعتصابی پرسروصدا در مورد عدم وجود حقوق و عدالت برای زنان کارگر برآه افتاد. بیش از هزار زن و دختر کارگر در محل کارشان حاضر شدند و در مجموع تظاهرات موفقیت آمیزی بود.

همزمان با اوج گیری مبارزات کارگری سالهای ۱۸۵۰ میسارزات

سنا هوستان آمریکا علیه برده داری نیز اوج میگرفت. مبارزات زنان سیاه بصورتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این زنان از ابتدائی تر - پس حقوق انسانی بخاطر برده بودن محروم بودند، مبارزه شان نه تنها بر علیه قوانین ظالمانه و غیر انسانی سرمایه داران که از آنان بعنوان کار - گران بسیار ارزان و حتی بدون دستمزد استفاده میکردند بود بلکه همجنس بر علیه زنجیرهای اسارت و بردگی شان متمرکز میگردد.

بزرگترین شورش سیاهان بر علیه برده داری در سال ۱۸۲۲ در کارولینای جنوبی بصورت مسلحانه با شرکت ۱۰/۰۰۰ برده صورت گرفت. زنان کارگرو مبارز سیاه پوست چون هریت تاب من (Harriet Tubman) و سوجورنو تروپ (Sojourner Truth) دست به تشکیل اتحادیه های زنند که هدف آن پیش از سرانداختن قوانین غیر انسانی کار، برانداختن سیستم قرون وسطائی برده داری بود. بخاطر اهمیت فعالیت این زنان، برده داران برای سر " هریت تاب من " ۴۰/۰۰۰ دلار جایزه تعیین کردند. غیر از زنان کارگرو سیاه و سفید پوست، همچنین موج مهاجرانی که بخاطر بحرانهای اقتصادی، فقر و تبعیضات نژادی به آمریکا آمدند، بخش عظیم دیگری از نیروی کار ارزان را در این کشور تشکیل میدادند. این مهاجران اکثراً از کشورهای اروپائی و بعضی کشورهای آسیائی بخیال داشتن زندگی بهتر به این کشور روی آوردند. ولی دیری نپایند که تصور " خیابانهای پوشیده از طلا " ی آمریکا های خود را به واقعیت تلخ استثمار و ظلم بی حدی آنان داد.

زنان بعنوان نیروی وسیع و ارزان کار از ملیتهای مختلف در آمریکا تبدیل " استثمار میشدند و در طول سالهای ۱۸۰۰ بعزت وجود قوانین - ظالمانه کار، آنچه که اجباراً در مقابل آنان قرار میگرفت، اتحاد و شکل و بالاخره مبارزه قطعی برای احقاق حقوق پایمال شده شان از طرف سرمایه داران بود.

(۱) - نقل از کتاب زنان چه کرده اند؟ - تاریخچه زنان کارگر در

آمریکا - از انتشارات جنبه متحد سال ۱۹۷۴

هزاران زن مهاجر بسوی کارخانه ها رانده شده و با حداقل حقوق بکار مشغول شدند. ولی شرایط طاقت فرسای زندگی و کارشان از آنان مبارزینی ساخت که اعتصابات مهمی از جمله " اعتصاب مهاجران " کارخانه های لباس دوزی نیویورک در سال ۱۸۸۳ تا اعتصاب مشهور " منسوجات لارنس " در سال ۱۹۱۲ را برآه انداختند.

روز ۱۷ اسفند (۸ مارس) یادآور خاطره این مبارزات پیگیر زنان کارگر آمریکا است. در چنین روزی کارگران زن صنایع پارچه - بافی نیویورک برای بدست آوردن حقوق خود، دست به اعتصاب زدند. واقعه مشهوره " قیام بیست و دو هزار نفر " در نیویورک در سال ۱۹۰۹ اوج این مبارزات بود. دختر کارگر مبارز رزی بنام کلارا لملیچ (Clara Lemlich) در این تظاهرات دست به سخنرانی پرشوری زد. وی گفت: " من یک دختر کارگر و یکی از کسانی هستم که در مقابل شرایط غیر قابل تحمل کسار اعتصاب نموده اند. من از گوش دادن به کسانی که در قالبی کلی صحبت می - کنند، خسته ام. آنچه که ما اینجا بخاطرش گرد آمده ایم، اینست که تصمیم بگیریم دست به اعتصاب بزنیم یا خیر. من پیشنهاد میکنم که قطعاً مه ای برای شروع اعتصاب همین الآن اعلان گردد. " روز بعد از سخنرانی کلارا بیش از بیست هزار کارگر که حداقل ۳/۴ آنها کارگران زن بودند، دست از کار کشیدند. این اعتصاب که ۱۳ هفته بطول انجامید، توانست در پایان مو - فقت آمیز خود " اتحادیه بین المللی زنان کارگر دوزنده " را در بسیاری از کارخانه ها ایجاد کند. همراه با تشکیل یافتن این اتحادیه در کارخانه ها، موفقیت های چشمگیری در ایجاد ساعات محدودتر کار با شرایط مناسب تر و دستمزد بیشتر برای زنان کارگر را بوجود آورد. از همه مهمتر آنکه این مبارزه تاریخی، سنت نبرده قهرآمیز پرولتاریا با طبقه استثمارگر را هر چه بیشتر تحکیم بخشیده و افق روشنتری از پیروزی زحمتکشسان را رهنمود داد.

من یک زنم ،
 I am a woman
 با دستهایی که ،
 with hands full of wounds,
 از تیغ برنده‌ی رنجها ،
 From the cutting blades of pain
 زنی که قامتش از نهایت بیشرمی شما
 A woman whose body
 در زیر کار توانفرسای ،
 has been broken
 آسان شکسته است ،
 under your unlimited shameless
 زنی که پوستش آئینهی آفتاب کویر است ،
 Backbreaking work
 و گیسوانش بوی دود میدهد
 A woman whose skin is
 The mirror of the sun of the desert,
 and whose hair smells of factory smoke

من یک زنم ،
 I am a woman ,
 زنی که مرادف مفهومی ،
 A woman for whom
 در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما
 In your shameful vocabulary
 وجود ندارد .
 There is no word.
 Corresponding to my significance

" رفیق مرضیه احمدی اسکویی " " Marzieh Ahmadi Oskwi "

افتخار
 HONOR
 من یک زنم ،
 I am a woman
 من از ویرانه‌های دور شرقم ،
 I am from the faraway ruins in the east
 زنی که از آغاز ،
 A woman who from the beginning ,
 با پای برهنه ،
 with bare feet
 عطش تند زمین را
 Has experienced the unquenched thirst of the land
 در پی قطره‌ای آب در نور دیده است .
 searching for a drop of water .
 زنی که از آغاز ،
 A woman who from the beginning ,
 با پای برهنه ،
 with bare feet ,
 همراه با گا ولاغرش در خرمنگاه ،
 along with her skinny cow in the threshing
 in the threshing field ,
 از شام تا بام
 from dawn to dusk
 سنگینی رنج را لمس کرده است
 Has felt the weight of pain

من یک زنم ،
 I am a woman ,
 کاری که دستهایش ،
 A worker whose hands ,
 ماشین عظیم کارخانه را حرکت در می‌آورد ،
 Turn the great machines
 و هر روز ،
 of the factory ,
 توانائیش را دندانهای جرخ ،
 which each day
 ریزریز میکنند پیش چشمانش
 Tear to bits my strength
 In the threads of the wheels
 in front of her eyes

چیزگرا بقدرت ترازا استقلال و آزادی نیست ، به جنگ این دشمن متجسس و ز... شرکت زنان در این مبارزه که همگام وهمسنگر با مردان اسلامه به دست گرفته ومستقیما " در جنگ شرکت جستند ، بسیار چشمگیر است . زنان از مبارزه در واحدهای نظامی ضد جنگنده های هوایی ، به اسارت گرفتن سر - بازان آمریکائی ، مین گذاری در جاده ها برای به آتش کشیدن لیسوازم و همپا ارتش دشمن ، تا تعمیر جاده ها و پلها برای حفظ ارتباط با خطوط اول محبه و حفاظت از دهکده ها و اهالی آن و بسیاری عملیات دیگر جا نشانی نموده اند . نام بسیاری از این دلوران قهرمان و مبارزه رگرازه فدایات در خان مبارزه خلق ویتنام محور نمیکردند که همیشه تجلی بخش راه دشوار و طولانی مبارزه علیه ظلم و استعمار هستند .

عوشی مینه رهبر کبیر انقلاب ویتنام میگوید : " اگر زنان آزاد نشده باشند ، سوسیالیسم تنها نصفه کاره برقرار میشود . " ویراستی این تنها یک جامعه سوسیالیستی است که میتواند جایگاه واقعی زن را در عرصه تولید بسازد و زمینه های مادی آزادی وی را فراهم سازد . در چنین شرایطی است که زنان نیز از قید و بند های طبقاتی رها گشته و بخش عظیم بالفعل جامعه میگردند .

زنان مبارز کشورهای دیگر میتوان از زنان کوبا ، شوروی چین ، انگولا ، موزامبیک ، شیلی ، فلسطین و ... نام برد که در سطوح مختلف مبارزاتی در کشورهایشان نقش بسزائی داشتند . مثلا " در چین جیا - نگ هینگ ، همسر و همسنگر رفیق مائوتسه دونگ ، علی رغم همه توطئه ها بر علیه انقلاب چین و اندیشه های رفیق مائو ، همچنان پرچم مبارزه طبقا - شی را در چین بر علیه رویزیونیستها در دست دارد .

در اینجا بحاست از دمیتیلایا ریوس دو جونگارا ، زن کارگر مبارزی از بولیوی سخن بگوئیم . دمیتیلایا که همسر یک کارگر معدن و مادر هفت فرزند میباشد ، خستگی ناپذیر برای ایجاد شرایط عادلانه برای همه زحمات - کشمان کشورش مبارزه میکند . او مفهوم ایجاد سوسیالیسم را که خود در پروسه طولانی مبارزه اش با پوست و گوشت احساس نموده ، بسادگی بیسان

با نگاهی اجمالی به اکثر انقلابات رها شمعش جهان ، به روشنی در می یابیم که زنان مبارز و آزادیخواه نقشی بس عظیم در پیش بردن انقلاب کشورها - بشان داشته اند . آنان بخاطر تاریخچه طولانی استعمار و اسارت - شان ، نسبت به انقلاب حماس بوده و زمانیکه به مبارزه برای آزادی روی آور میشوند ، خوبی در عملشان میدهند که در این امر تا چه حد لیاقت و فداکاری و اشتیاق دارند . نمونه بارز چنین دلورانی زنان ویتنامی هستند .



زنان پولیساریو فعالان در مبارزه شرکت می جویند .

خلق ویتنام دارای یکی از طولانیترین تاریخهای نبرد علیه اشغال متجاوزین میباشد . آنان قریب به بیست سال برای

آزادی و استقلال مین خود که تحت سلطه امپریالیسم فرانسه بود ، جنگیدند تا آنکه آنها را از خاک خود بیرون راندند . بعد از این پیروزی ، جنگ با امپریالیسم آمریکا آغاز شد . جنگی که در پایان خود حماسه ای تاریخی از قدرت بیکران خلق ویتنام و پوئالی بودن قدرت امپریالیسم آمریکا بر جای گذاشت . در این نبرد ، بین خلق و امپریالیسم بوزه آمریکا به خاک مالیده شد و جمهوری دمکراتیک خلق برقرار گشت .

خلق قهرمان ویتنام با رهبری رفیق عوشی مینه و شعار واحد " هیچ

وضع زنان ایران

تاریخ استثمار زن در ایران مانند کشورهای دیگر به دورانی بسیار گذشته برمیگردد. زن در جوامع بدوی وضعی مشابه با مرد داشته و ارتباطی آنان بر اساس تقسیم کار استوار بوده. ولی از زمانیکه مردان سازنده و صاحب ابزار تولید میشوند، استثمار و شکست زن نیز آغاز میگیرد.

در عصر برده داری زنان فاقده هرگونه حقوق اجتماعی بوده و مانند کالا خرید و فروش میشدند. معیار گرانی یا ارزانی نیز زشتی و زیبائی او بوده است. زن با زهم برده مرد و بالاخره برده سیستم حاکم بوده. در این نظام مردان اختیار داشتن چند همسر را داشتند و ارزش زن به داشتن تعدد اد بیشتر فرزندان ذکور بود. زنان کاملاً باندنیای خارج از خانه بی-ارتباط بوده و به این علت در تمام امور او امر شوهران خود را بی چون و چرامی پذیرفتند.

در جامعه فئودالی شرق و منجمله در ایران، عقاید خرافی هر چه بیشتر به عقب ماندگی زنان و نتیجتاً به عقب مانگی کل جامعه می افزود. اثرات این شیوه از تفکر، هنوز هم در جامعه ما به چشم میخورد و در بسیاری موارد توسط حاکمان جدید، تحکیم و تبلیغ میشود. ولی علیرغم تمام تبعیضها و بی عدالتیهای که نسبت به زنان در طول تاریخ اعمال گردیده، اگر تاریخچه مبارزات زنان را در ایران بررسی نمایم، همیشه آنجا که فریاد دادخواهی علیه سلطه ظالمانه حاکمان وقت بوده، زنان نیز در آن شرکت داشته اند. مهم ترین این حرکتها در جریان جنبش تنناکسوی، نهضت مشروطیت ایران، و بالاخره قیام ۳۰ تیر و حرکات اعتراضی معلمین و بوده است. هر یک از این وقایع خود قدمی مثبت در شکست دادن زنجیرهای اسارت و بردگی تاریخی زنان بوده که بخصوص در دوران سیاه فئودالی بسیار طولانی شده بود.

بعد از کودتای امپریالیستی رضاخان، در سال ۱۲۹۹، از آنجا که با استقرار امپریالیسم و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران نیاز به نیروی

میکند و آنرا تنها راه رهایی انسان از یوغ استثمار میدانند. او میگوید: "..... من معتقدم که سوسیالیسم، در بولیوی، مثل هر کشور دیگری، یک وسیله یا ابزار است. این ابزار میتواند شرایطی را ایجاد کند که زنان به سطح خودشان برسند. زنهای مشارکت و مبارزه شان به حائلی که باید برسند، خواهند رسید و رهایی شان نتیجه فعالیت خودشان خواهد بود. اما فکر میکنم مهم ترین وظیفه ما زنان در این حظه آن است که برای رهایی کل جامعه دوشادوش مردها بجنگیم." (۱)

در جای دیگر، دمیتیلایا، به مسئله "فمینیسم" (نوعی تلقی از مسئله زن که حل مسئله اسارت زن را در قالب غیر طبقاتی و بورژوائی آن طرح میکند) اشاره میکند. او این پدیده را "درستی" سلاح امپریالیسم میدانند و اساساً "نظر" فمینیستها "را که مرد استثمارگر زن است و در نتیجه مبارزه زن برای رهایی بایستی بر علیه مرد باشد را اساساً" مردود می شمارد. اشتباه این امر تکرار همان انحرافی است که مردان در جوامع طبقاتی تحت عنوان "مردسالاری" که برتری برجسی مخالف بوده، بدان گرفتار شده اند. دمیتیلایا بایان استثمار و ایحاد برابری در جامعه را در مبارزه یکپارچه زنان و مردان زحمتکش بر علیه دشمن طبقاتی خود که در سطحی وسیع هر دو را با اسارت میکشد، یعنی نظام غارتگر سرمایه داری، می بیند.

(۱) - از کتاب "بگذار سخن بگویم" اثر دمیتیلایا بارینسوس

دو چو نگار.

کار ارزان بود، در نتیجه زنان نیز بکار کشیده شدند. در این شرایط مسئله حجاب زنان خودمانعی برای کار کردن آنها بود. چرا که اکنون آنان می-بایست در کارخانه‌ها و با ماشینهای صنعتی کار کنند. چادر، این وسیله دست و پاگیر که زمانی بزور، طبقات حاکمه بر زنان خود اجباراً پوشانده بودند با چشم دیگری به آنها نیفتد، اینک توسط حاکمیت جدیدی بزور برداشته میشود. چرا که دستگرا شرایط تغییر کرده بود و میبایست برای تهیه نیروی کار ارزان از زنان خانه نشین در خارج از خانه هم استفاده کرد.

در دوره حکومت شاه منقور، با گسترش بیشتر روابط سرمایه داری که خودنمایی از گسترش سلطه امپریالیسم بود، شرکت هر چه بیشتر زنان در عرصه تولید ضروری بود. بخاطر این شرایط دست زدن به اعمالی از قبیل دادن "حق رای" به زنان! و یا ایجاد سازمانهای فاسدی چون "سازمان زنان" به سرپرستی زنان درباری برای هر چه بیشتر درگیر کردن زنان در این سیستم ضروری می نمود. بخشی از زنان میبایست بصورت مصروف کننده کالاهای وارداتی امپریالیسم درمی آمدند و به شکل ظاهری خود میرسدند. بد و با کارگرفتنی در بیرون از خانه، خود را "آزاد" احساس میکردند. بخشی نیز بعنوان نیروی کار بسیار ارزان در واحدهای تولیدی برای بهره‌مندی خود و خانواده‌شان جان میکنند ولی از طرف دیگر شرکت بیشتر زنان در عرصه اجتماع، آنان را در مبارزه بر علیه امپریالیسم رژیم و - بسبب بدان سهم نمود. بیرون آمدن از چهار دیواری خانه و تا حدی آگاهی به نفس جوش و امکان شرکت در مبارزه، با توجه به سابقه اسارت و جدایی زنان از جامعه، موجبات آنرا فراهم میساخت که انگیزه برنامهای درو-عش شاهتخت بعنوان "دفاع از حقوق زن" ستدریج رسوا شود. بسیاری تبلیغات بیسرد را پیمورد، شاه حتی خواهر فاسد خود را که تنها نماینده زنان درباری بود، بعنوان "نماینده زنان ایران" به کنفرانس بین المللی زنان معرسماند. دروغین و پوئالی بودن این تبلیغات همراه با سیاست های دیگر که برای بقیه مردم ایران در نظر گرفته میشود، نه تنها آنان را فریب نداد، بلکه در سطح آگاه ترین فرزندان خلق نتیجه ای عکس بر-

جای گذاشت. در مورد زنان میهنمان نیز عمده ترین تیلور رشد آگاهی آنان را از شرکت خلاق و بیسابقه شان در امر مبارزه میتوان مشاهده نمود.

با آغاز رستاخیز سیا هکل در سال ۱۳۴۹، از آنجا که ما زمانه مبارزه مسلحانه را بعنوان تنها راهی که میتوان تسلط امپریالیسم را بر جامعه ما درهم شکست، برگزیده بود، به انقلابیون از جان گذشته ای نیاز داشت که شناخت کافی از شرایط جامعه و زندگی توده های ستمکش میهن داشته باشند. بعد از شروع این

شکل نوین از مبارزه، زنان زیادی در مبارزه رودر روی با رژیم سفاک پهلوی بی باکانه و با ایمان به پیروزی خلق و برقرار کردن جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر، درگیر مبارزه شدند. شرکت مستقیم بسیاری از شیر زنان فدائیی در چنین نبرد دشواری، بخوبی نشان دهنده حرکت خلاق و رزمنده آنان در برکنار کردن بنیاد ظلم و استبداد و حاکم بر جامعه و از جمله بر زنان بود. در ویتنام زنان را به اینصورت توصیف میکنند که: "زنان ویتنام یکی از زیبا ترین و تنام مردم ویتنامند". مبارزه رفقای زن چریک در جامعه ما زنده کننده این توصیف بسیار همان محتوی ولی با بیانیسی متفاوت است. "زنان چریک - فدائیی، یکی از زیبا ترین تماویر مردم ایرانند".



چریک فدائیی خلق، رفیق شهید دکتر مهرنوش ابراهیمی اولین زن چریکی که در نبرد خیابانی با مزدوران شاه به شهادت رسید و حماسه آفرید.



مردگان روستای تیرکس مجرای درون کوه ساکنی



زنان روستای درشال سراها

www.iran-archive.com

کی خلقهای ما خاطره جانفشانیهای زنان جریکی چون مهینوسوس، ابراهیمی ها، مرضیه اسکویی ها و مادرغروی ها و بسیاری دیگر از رفقا را فراموش می کند، رزمندگانی که همیشه زنده کننده کلمات رفیق لنین در مورد لزوم شرکت زنان در مبارزه برای رهایی هستند. رفیق لنین یکبار گفت که "اگر زنان بخدمات اجتماعی، به ارتش خلق و به زندگی سیاسی کشیده نشوند، اگر زنان از محیط حرفتی آورخانه و آشپزخانه بریده نشوند، ضمانت رهایی واقعی و ساختن دموکراسی غیرممکن است".

زنان مبارز فدائی نیز بر اساس حقیقت پیروزی طبقه کارگر و استقرار جامعه ای عاری از هر نوع ستم و استثماریه مبارزه برخاستند. آنان ساختن جامعه ای را در نظر داشتند که زن های خود را درجا معیافت و در تولید بطور مساوی با مرد شرکت جوید. در عین حال کار منزل و پرورش فرزندان مانع رشد و آگاهی او نشده و برعکس با ایجاد ارگانهای انقلابی، جامعه نیز در این وظائف به یاری کرده وزن دیگر اسیرکارهای خانه و نگهداری فرزند بعنوان تنها وظایفش نیست. جریک فدائی، رفیق اشرف دهقانی در کتاب خود "حما سه مقاومت"، شکستن زنجیرهای اسارت و دست یافتن به آزادی و بالابردن - خره استقرار سوسیالیسم را به این صورت بیان می دارد. "اما هنگامیکه زن، آگاهی طبقاتی خود را بازمی یابد، و همراه مردی که آگاهی طبقاتی خود را با زیبا یافته است، آنچنان آگاهی و شناختی که او را بدرهم کوبیدن نظام فاسد طبقاتی و امیدارد، دیگر او یک "زن" با معیارهای ارتجاعی نیست، بلکه "انسانی" است آگاه و به ساختن نظامی می پردازد که در آن "انسان" مقام راستین و شکوه شایسته خود را با زیبا بد، او با آگاهی از تمام مشکلات، قدم براه می نهد و در راه آرمان والای خود از هیچ دشواری هراس ندارد. زن انقلابی و مرد انقلابی هنگامیکه در سنگرمبارزه قرار میگیرند انسانهایی هستند که به رستاخیز خود رسیده اند، آنها برای ایجاد جامعه ای مبارزه می کنند که در آن، این مسئله که، به زن چقدر آزادی باید داد آزادی زن خوبست یا نه اصولاً مطرح نیست. بلکه همه انسانها، زن و مرد یکسان از مزایای زندگی استفاده می کنند، و برای پیشبرد آن در کنار هم تلاش و کار می کنند.

موقعیت زنان بعد از قیام

باست شدن پایه های قدرت رژیم پهلوی که ناشی از بحرانهای اقتصادی - سیاسی حاکم و ته شیر مبارزه مسلحانه برجا معیافت بود، موج خرو - شان مبارزات مردم در ایران بطور سراسری بالا گرفت. خلقهای ایران با منظور سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی قدم به میدان مبارزه نهادند. در این نبرد تاریخی زنان با شجاعت و از جان گذشتگی بی نظیری دوش به دوش مردان فریاد دوا خواهی خود را علیه حکومت فاشیستی شاه برآوردند و از مبارزات خارج از محدوده که آنان نقش مهمی در ایستادگی و مقابله با مزدوران شاه برای دفاع از حقوق خود، ایفاء نمودند تا سرنگونی رژیم منفور پهلوی شرکت جستند.

از آنجا که جابجائی قدرت در ایران در پیمان آشکار آمریکا با ایران چون خمینی در پاریس و بهیستی و بازرگان در تهران انجام گرفت، انقلاب خلقهای ایران را که میرفت ساط نوکران وابسته به امپریالیسم و ریشه نفوذ آنرا در ایران بکلی نابود کند، به انحراف کشاند، بلافاصله دستور خلع سلاح مردم و بازسازی سازمانها و ارگانهای ارتجاعی سابق مانند ساواک را با نام جدید "ساواما"، گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با آمریکا و بقیه کشورهای استثماری و رگرومانعت از بهره مندی خلقهای ایران از دستاوردهای قیام، صادر گردید. مجلس خبرگان جایگزین مجلس مؤسسان که تشکیل آن یکی از خواسته های اساسی توده ها بود، گردیده و سرکوب خلقهای ترکمن و عرب و بویژه خلق کرد آغاز گردید.

علیرغم ادعاهای دروغ و مهمل سردمداران رژیم مبنی بر قطع نفوذ آمریکا در ایران، نه تنها سیستم سرمایه داری وابسته منتهی در شکل "اسلامی" اش حفظ گردید، بلکه این پاسداران منافع سرمایه داران وابسته به جبران خسارات وارده به سیستم پرداختند. حاکمیت جدید که خون هزاران زحمتکش میهنمان را و شیشه سازش خود با امپریالیسم قرارداد، بی پروا "امتیازات" رژیم سابق به کارگران یعنی سود ویژه را که بخشی از حقوق

حقه کارگران بود، لغو نمود اینان قوانین ضدکارگری رژیم سابق را تکمیل نموده و تحت نام "خودکفائی اقتصادی" حق هرگونه اعتراض حق طلبانه کارگران را با برچسب "مداخله انقلابی" از زمین برده و با تهدید به اخراج و سرکوب از طریق باندهای سیاه منجمله "اداره حفاظت" که آنهم از محمد رضا شاه به اینان به ارث رسیده بود اقدام به برقراری "نظم" در کارخانه‌ها نمودند. مسلماً زنان کارگر نیز از این شرایط مستثنی نبودند. آنان که عمدتاً در کارخانه‌های مواد غذایی، داروئی، نساجی، صنایع الکتریکی و کارگاههای تولیدی همچون قالی بافی و یاد در کوره پزخانه بیکار مشغولند، علیرغم شرایط طاقت فرسای کار و نبودن امکانات رفاهی، بخاطر نیاز اقتصادی به حقوق بسیار کم نیز اجباراً "قانع" هستند. سرمایه داران کله‌گنده نیز از همه شرایط منجمله حمایت سیدریغ دستگا‌های سرکوب حکومت جمهوری اسلامی و ارتش انبوه بیکاران استفاده کرده و کارگران زن را به وحشیانه ترین شکلی استثمار میکنند.

ایجاد چنین شرایطی برای زنان و مردان کارگر، علیرغم تمام دشواریهایش، این موقعیت را برای آنان بعنوان طبقه کارگر ایجاد می‌کند تا نیروی مبارزاتی خود را رشد دهند. این صورت است که زنان کارگر با دست یافتن به آگاهی طبقاتی خود توسط عناصر صادق و انقلابی که با آنان واقعی کارگران هستند، پی می‌برند که رهایی آنها در مبارزه مشترکشان با کارگران مرد عملی است. آنان متحداً "نیروی عظیمی را تشکیل میدهند که در تاریخ بارها در مبارزه با استثمارگران رسالت تاریخی خود را بخوبی انجام داده و سرفراز و پیروز بیرون آمده‌اند.

در محنه روستاهای کشورمان نیز "اصلاحات ارضی" جمهوری اسلامی در واقع با قانونی نمودن زورگوییهای زمین داران بزرگ و ملاکان همراه بود و قانون کذایی اصلاحات ارضی هیچگونه حقی را برای زنان زحمتکش روستائی قائل نشد. از آنجا که حل مسئله ارضی تنها در پروسه انقلاب دموی کراتیک به رهبری طبقه کارگر، امکانپذیر می‌باشد، وضع روستائیان و

منجمله زنان روستائی نیز که سهم بزرگی در اقامت دغا خواهد دارند، تغییری نکرده، در عوض هدیه دولت جدید آنان کشتار و تاجا و زبیه زنان و دختران روستائی کردستان و ترکمن صحرا بوده است.

زن از دیدگاه قانون اساسی و سرودن آران جمهوری اسلامی

هنگامیکه در مجلس کذائی خیرگان بحث مسئله زنان و حقوق آنان در جامعه مطرح شد آیت الله صدوقی یکی از نمایندگان "خیره" "مجلس" خیرگان "نظرات خود را درباره زنان چنین بیان کرد:

"آیا بگوش یکی از شماها خورده که یک نفر زن در یکی از این کمزوات شرکت کرده، یا این شهرهایی که حاکم می فرستادند، استاندار میفرستادند یک نفر زن فرستاده باشند؟ یا یک لشگری را آیا شنیده‌اید که زن قرار بدهند و گفته باشند که بیرون فلان جا را سرپرستی کن و امیر سپاه باش؟ ما هرگز در تاریخ ندیده‌ایم، هیچ تاریخی نشان نمیدهد....."

چنین زنها بزرگ و شجاع و از هر جهت کاملی، چه شد که نه در زمان رسول خدا و نه در دوران خلفا و نه در دوره عباسی و نه در هیچ دوره‌ای هیچ وقت نشد که در هیچ جنگی و غزوه‌ای بسینیم زن را ما مور کرده باشند که تو فلان جا برو و فاتح باش و سرپرستی داشته باش و حاکم فلان باشی؟..... یکی از رفقا میگفت همانطور که زن می تواند دلی صغیرش بشود، پس می تواند رئیس جمهور هم بشود. حالا این چه حسابی است؟! چون زن می تواند سحر را با زکند و پاکش بکنند و از کثافت برکنارش بکنند و بیستان دردها نش بکنند پس می تواند رئیس جمهور بشود یا نخست وزیر؟! من گمان نمیکنم که این قیاس، قیاس صحیحی باشد. شما را بخدا کار را برای رهبر دشوار نکنید و زحمت برای او ندهید. و علاوه هنوز مردها کارند و بیشترشان بیکار هستند، حالا بیایید و فرمانداری به زن بدهید! چطور شده آقای محترم از اولی که خشت دنیا را برپا گذاشتند اینهمه با خشمان و این همه قنات، اینهمه اختراعات تمامش بدست مرد بوده؟....."

درجه، و ۲۴ هزار قنات در یزد وجود دارد یا کلنگ کذا میک از این قناتها رازن زده است، کذا میک از این ساختما نها رازن درست کرده؟ حالا بطور شد که پشت میز نشستن را حق داشته باشند، ولی کارهای سنگین را حق نداشته باشند؟ یعنی چه؟ اگر می خواهند دوش بدوش ما کار کنند، بیا همراه ما بمانی، بکنند و همراه ما قنات درست کنند و همراه ما کارهای دیگری بکنند. بیاور کارهای سنگین برای ما ست ولی نشستن پشت میز از آنها باشد.

حالا آمدید یکی از این زنهای شایسته که مل را به مقام رئیس جمهوری یا نخست وزیری منصوبشان کردید، یک روز صبح میرویم و می بینیم که نخست وزیری تعطیل است. چرا؟ برای اینکه مش خانم زایمان کردند. اینها برای ما سنگ و عار است. یعنی چه؟ شما را بخدا این را جزو قانون نیاورد.

این نمونه تفکر کسائی است که در "مجلس خبرگان" برای زنان زحمتکش این ها معه تعیین تکلیف میکردند. و تازه از آنجائی که حکومت برای تظلم هرات فرما بشی خود به بسیج زنان نیاز مند است، آیت الله صدوقی کوشیده است تا سخنان خود را در لقا فیه بیان کند. آیت الله صدوقی با این سخنان نشان میدهد که از نظر سردمداران حکومت جمهوری اسلامی زن تنها وسیله است برای آنکه عقده شود، صیغه شود، بجه را با زبکند و پاکش بکنند و از کثافت بزرگنازش بکنند و پستان دردها نش بکند. "اونمی دانند که میلیونها زن از بام تا شام در کارخانه ها و مزارع جان میکنند تا معاش خود و خانواده شان را تامین کنند. او کاردار ادرات را برای زنان کاری تفننی میداند. پس بدون دلیل نبود که هرگاه بحث مسئله زن در "مجلس خبرگان" مطرح میشد، "نمایندگان خبره آن با "لبخندی تمکین" لبخنها را دنبال می نمودند. وقتی که "نمایندگان ایران" در "مجلس کذاشی خبرگان" منبیره گرجی باشد، طبیعی است که کما سی نیز که درباره زنان تصمیم میگیرند، آیت الله صدوقی ها باشند.

تمام هم و غم نمایندگان "مجلس خبرگان" آن بود تا کلیه حقوق خلق زحمتکش ایران را پایمال کنند و طبیعتاً "زنان ایران نیز بمانا به بخشش

عظیمی از نیروی جامعه از اعمال اینهمه زور و ستم این تازه بقدرت رسیدگان مصون نماندند. ابتدا در قانون کذاشی اساسی که رونویسی مبتذل از همان قانون اساسی سابق با مختصر تغییراتی که مختص شرایط جدید و خاص "رهبران" جدید از خارج رسیده بود، "حقوق" زن را در ایران مشخص کردند. اما اطله های بیستم و بیست و یکم مطالب بسیار کلی و نامفهومی را در مورد ما بت حقوق زنان مطرح می نماید. مبادا که به آنها ایراد گرفته شود که آوردن نام زن را در قانون اساسی فراموش کرده اند. حقوقی که تنها پاسخ دهنده موقعیت همسازان قدرتمندان جدید است. زنانی که با در پشت پرده مخفی هستند و یا بعنوان دکور بر روی صندلی مجلس شورای اسلامی نشاند شده اند که بلبه ما هم در مجلس -- ما نماینده زن داریم. اصل ۱۲ پیش نویس قانون اساسی که وظیفه ما دران را تربیت فرزندان بخصوص فرزندان دختر قید نموده خود نشاندهنده آینده "درخشانی" است که جمهوری اسلامی برای زنان جامعه ما در نظر گرفته در زمان رژیم شاه خائن قانون کذاشی تحت نام "قانون حمایت خانواده" با سروصدای زیاد تصویب شد که بر طبق آن ازدواج محدود میبایستی با رضایت همسر اولش باشد و طلاق او بدون اطلاع خودش و بطور غیابی اجرا نمیشد. حاکمان جدید حتی به خود زحمت قدری ظاهر سازی را بعد از آنهمه تبلیغاتی که در مورد دادن حقوق مختلف به زنان به راه انداخته بودند، ندادند و این قانون را حذف نمودند. در نتیجه امروز با زا رسیده ها و عقده های متعدد آقایان طرفدار جمهوری اسلامی رونق دارد.

رژیم حاکم یکی از اولین اقدامات "انقلابی" اش را اجباری نمودن حجاب برای زنان قرار داد. این عمل همراه با اذیت و آزار زنان توسط گروههای حزب الهی و همچنین اخراجشان از مشاغل مختلف اجتماعی بود. بخاطر رشد اجتماعی - سیاسی زنان، این زورگوشی با تظاهرات وسیع آنان روبرو گشت که سردمداران بخاطر جو سیاسی حاکم و قدرت مردم طرح مجدد آنرا به بعد موکول کردند. همراه با زیر پا گذاردن بسیاری از دستاوردهای مبارزات خلقهای میهنمان مسئله حجاب برای زنان شاغل در مؤسسات دولتی، اجباری اعلام گردید. حق کار زنان قاضی صرفاً "بخاطر جنسیتشان از آنها"

سلب گردید. و این تازه بخش مختصری از "خدمات" این "حامیان حقوق زن" به شیوه "اسلامی" اش بود.

مستهمی در چه درک عقب مانده و غیر انسانی اینان از موقعیت و ارزش - اجتماعی زن را بروشنی در کلمات خمینی می توان دید. خمینی نظر خود را در مورد قانون ازدواج مردان در اسلام به "اورپا نافالاجی" خبرنگار زن ایقنالیائی اینفلورسیان می کند. "قانونها رزن، قانون بسیار مترقی است و برای مصلحت زنان نوشته شده، چون زنها بیشتر از مردها هستند. زنها بیشتری نسبت به مردان بدنتها می آیند و مردها بیشتر از زنها در جنگها کشته میشوند. زن به یک مرد احتیاج دارد، بنا بر این چه می توانیم بکنیم وقتی زنها بیشتری از مردها در دنیا وجود دارند؟ آیا ترجیح میدهید که تعداد اضافی زنان قاعشه بشوند - یا با مردی ازدواج کنند که زنها دیگری دارد؟ و بگذارید من نکته دیگری اضافه کنم. حتی تحت شرایط دشواری که اسلام بر مردی با دو سه یا چهار زن مقرر کرده، رفتار و وقت مساوی برای همه شان وجود دارد، این قانون بهتر از تک همسری است." آیا این کلمات بیان داهیانه و قانونی مروج و مرج ظلمی جنسی مردان نیست که در پیرویه جوامع طبقاتی به نادرست القاء گردیده است؟ و الا ذکر دلایل مضحک و بی پایه ای چون بیشتر بودن تعداد زنان نسبت به مردان در دنیا و سپس در ایران، سرپوشی است بر روی افکار - عقب مانده "مردسالاری". و اساساً "خمینی بر مبنای جد اماری جمعیت زنان را در دنیا و در ایران بیشتر از مردان می داند آنکته قابل توجه دیگر اینست که بر اساس گفته خمینی (که ازدواج تعداد اضافی زنان به مردان متاهل بهتر از بی فحشاء کشیدن آنهاست) در جوامع دیگر دنیا که قوانین اسلامی حاکم نیست باید گفت که حداقل نصف زنان کشوری فاعشه هستند چرا که با مردان متاهل آن جامعه ازدواج نکرده اند. این راه حل مبارزه با فحشاء، نه تنها آنرا از بین نمی برد، بلکه به آن صورت شرعی نیز میدهد. آنچه که بنا م فحشاء در جوامع طبقاتی و بخصوص سرما به داری وجود دارد زنان طبقات زحمتکش را که قربانی فقر ناشی از مالکیت خصوصی هستند به کام خود می کشد. سخنان "داهیانه" خمینی در مورد زنان، خواننده را بی اختیار به یاد گفته شاه منفور می اندازد

که می گفت "زنان تنها وسیله ای برای لذت دادن به مرد هستند و هرگز انسان - های مفیدی به جامعه تحویل نداده اند."

آنچه مسلم است اینست که زنان ایران تاریخ ستم کشیدگی طولانی دارند. بنا بر این زمانیکه به مبارزه روی می آورند پیگیری بی نظیری در این امر از خود نشان میدهند. شرکت وسیع زنان بعد از قیام در گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی خود بخوبی

نشان دهنده با لارقتن سطح آگاهی آنها می باشد. تبلور این رشد را در کردستان در زنان دلاوری می بینیم که از خانه و کاشانه خود، از مال و جان مردم دلبر کردستان محافظت می کنند، بر خورد رفقای زن با چماق بدستها و پاسداران مزدور در راهیما - ثی ها و تظا هرات بسیار قابل توجه است. آنها شجاعانه به حملات وحشیانه چماق داران حکومتی پاسخ میگویند و عملاً نشان می دهند که ضعیف و ترسو بودن زن در فرهنگ یک فرد آگاه وجود ندارد. همچنین مبارزات دختران دانش آموز نیز در تظا هرات و تحصن ها از اهمیت برخوردار است. دانش آموزان دختر که نقش فعالی از



زنده با خلق رزمنده گرد که
برای آزادی مبارزه میکند.

لحاظ سیاسی برعهده دارند، هر روز دبیرستانها را به صحنه مبارزه سیاسی بین نیروهای خلقی و ضد خلقی تبدیل می کنند. ارتجاع حاکم از وحشت، هراز چندگاه برای خواباندن سروصدای دبیرستانها مبارزت به بیستن آنها می کند. دانش آموزان دختر بخصوص در شرایطی که دانشگاهها بسته هستند، نقش مهمی در رساندن اخبار مبارزاتی و پخش نشریات مختلف گروههای سیاسی در صحنه مدارس دارند.

رفیق استالین میگوید: "هیچ جنبش بزرگ ستمدیدگان در تاریخ بشر بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبوده گامی به پیش بردارد" ولنین میگوید: "پرولتاریا نمی تواند خود را آزاد کند، مگر اینکه برای آزادی - کامل زنان مبارزه کند". پس این وظیفه سازمانها و نیروهای پیشاهنگ و انقلابی است که با تعمیق مبارزه طبقاتی و تماس مستقیم سازمان زنان زحمتکش آنان را به نقش تاریخی شان در مبارزه آگاه گردانند و نیروی عظیم آنان را به میدان مبارزه بکشانند. باید توجه داشت که در شرایط عظیم فرهنگی خاص جوامعی چون جامعه ما، رفقای زن نقش مهمی در انجام این مهم برعهده دارند.

* * * * *

افتخار

من مادرم،

من حوا هم،

من همسری صادق

من یک زن،

زنی از عکده های مرده جنوب،

زنی که از آغاز،

با پای برهنه،

دویده است سرتا سر خاک تفه کرده ی

دشت ها را،

من از روستای کوچک شمال،

زنی که از آغاز،

در تالابزار و مزارع جای،

تا نهایت توان گام زده است،

من از ویرانه های دور شرق،

زنی که از آغاز،

با پای برهنه،

عطش تند زمین را

در پی قطره ای آب در نور دیده است،

زنی که از آغاز،

با پای برهنه،

همراه با گاو و اغوش در خرمنگاه،

از طلوع تا غروب،

از شام تا بام،

سنگینی رنج را لمس کرده است،

من یک زن،

از ایلات آوارهی دشت ها و کوهها،



حریک فدائی خلق رفیق شهید
مرضیه احمدی اسکوتی

زنی که کودکش را در کوه بدنیامی آورد،

وسش را در پهنه دشت از دست میدهد

و به عزای تشیند.

من یک زنم

کارگری که دستهایش،

ماشین عظیم کارخانه ها را به حرکت درمی آورد

و هر روز

توانا شیش را دندانهای جرخ،

ریزریزی می کنند پیش حشمانش

زنی که از عمارة حاش،

پروارتری می شود لاشه ی خونخوار،

و از تباهی خویش ،
 افزونتر می شود سود سرما به دار ،
 زنی که مرادف مفهومی ،
 در هیچ جای فرهنگ ننگ آلودشما
 وجود ندارد .
 که دستها بش سبید ،
 قاشق ظریف ،
 که پوستش لطیف
 و گیسوانش عطر آگین باشد .
 من یک زنم ،
 با دستهایی که ،
 از تیغ برنده‌ی رنجها ،
 زخمها دارند
 زنی که قامتش از نهایت بیشتر می‌شود
 در زیر کار تو انفرسای ،
 آسان شکسته است ،
 زنی که پوشش آئینه آفتاب کویر است .
 و گیسوانش بوی دود میدهد .
 من زنی آزاده‌ام ،
 زنی که از آغاز ،
 پای ربای رفیق و برادر خود ،
 دشت‌ها را در نور دیده است .
 زنی که پرورده است ،
 با زوی نیرومند کارگر ،
 و دستهای پر قدرت دهقان را ،
 من خود کارگرم ،
 من خود دهقانم ،
 تما می قامت من نقش رنج
 و پیکرم تجسم کینه است .
 چه بیشتر مانده است که بمن میگوئید ،
 رنج گرسنگی ام خیال ،
 و غریبانی تنم رویا است ،
 من یک زنم ،
 زنی که مرادف مفهومی ،
 در هیچ جای فرهنگ ننگ آلودشما
 وجود ندارد .
 زنی که در سینه اش دلی ،
 آکنده از زخم‌های جرکین
 خشم است .
 زنی که در چشمانش
 انعکاس گلرنگ گلوله‌های آزادی
 موج می‌زند .
 زنی که دستانش را کار ،
 برای گرفتن سلاح پرورده است .



زن زحمتکش ویتنامی در شالیزارها
کار میکند و بر عتبات مهربالیستهای جنگید

۸ مارس روز جهانی زنان زحمتکش گرامی باد

۱۷ اسفند (۸ مارس) روز جهانی زنان زحمتکش و زنده کننده خاطره مبارزات با شکوه زنان کارگراست. این روز بشارت دهنده اتحاد کارگران، سه زن وجه مرد در صفتی واحد برای خرد کردن بساط غارتگران میباشد. افتخار به تمام رفقای زن جرید فدائی که شجاعانه جان خود را در راه پیروزی خلق قهرمان ایران فدا کردند.

افتخار به تمام زنان ادا مدهنده راه آنها که امروز وظایفی از پیش اعلامیه گرفته تا مقاومت در گردستان خونین را پذیرا شده اند.

افتخار به تمام زنان زحمتکش جهان که کمربندنا بودی سلطه سرما به داران خونخوار بسته اند.